



# ضرب المثلهای فارسی و معادل‌های انگلیسی آنها

وظیفه این مقاله پرداختن به همانندگویی در فارسی و انگلیسی از نقطه نظر ضرب‌المثل‌های مصطلح و رایج است. در برخی موارد به ضرب‌المثلهایی برمی‌خوریم که بیش از یک معادل در زبان دیگر دارد. در بسیاری از ضرب‌المثل‌های فارسی می‌توان به تأثیر فرهنگ غنی اسلام و اشعار فارسی و نیز احادیث و روایات برخورد نمود. همچنین سعی شده است ضرب‌المثل‌هایی انتخاب و گنج‌نامه شوند که مصطلح‌تر و رایج‌تر بوده و کاربردهای نسبتاً زیادی در گفتگوی روزانه دارند.

بمنظور آشنایی خواننده با معنای تحت‌اللفظی ضرب‌المثل انگلیسی و مقایسه دقیق‌تر نحوه همانندگویی در دو زبان، ترتیب ذیل رعایت شده است:

- ۱- ابتدا ضرب‌المثل فارسی آورده شده است.
- ۲- ضرب‌المثل انگلیسی‌ای که معادل ضرب‌المثل فارسی است.
- ۳- معنای تحت‌اللفظی ضرب‌المثل انگلیسی که به فارسی نوشته شده است. در این مورد هر جا که معنای تحت‌اللفظی ضرب‌المثل انگلیسی با ضرب‌المثل فارسی یکسان یا تشابه بسیار زیادی داشته‌اند فقط به کلمه «همان» اکتفا شده است و برای جلوگیری از اطاله کلام از ترجمه کامل پرهیز شده است.
- ۴- توضیح مختصری در باب کاربرد یا مفهوم ضرب‌المثل.

لازم به ذکر است که کلیه ضرب‌المثل‌ها براساس ترتیب حروف الفبای فارسی مرتب شده‌اند. در این مقاله عمدتاً از منابع ذیل استفاده شده است:

- ۱- فرهنگ متداول انگلیسی به فارسی.
- ۲- دکتر علاء‌الدین بازارگادی - نشر نظر ۱۳۶۹.
- ۳- فرهنگ اصطلاحات فارسی به انگلیسی.
- ۴- سیف غفاری - چاپ سوم - ۱۳۶۳.
- ۵- فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی.
- ۶- دکتر عباس آریانپور کاشانی - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۶۳.
- ۷- فرهنگ مصور انگلیسی - فارسی.
- ۸- علی اصغر کاوسی برومند - انتشارات پیروز - ۱۳۵۱.

تدوین و گردآوری: مهندس احمد هرمزی  
بدون شک زبان و خط مهمترین عوامل ارتباط میان ایناء بشر بوده و بیدایش آنها با ایجاد تحوّل و گسترش چشمگیر در زندگی بشر قرین است. پژوهش مختصری که در پی خواهد آمد براهمیت بیش از پیش زبان در نزدیکی انسانها و نقشی که در بالا ذکر آن رفت تأکید خواهد ورزید.

زبان، ابزار بیان تعقل، تفکر، احساسات و عواطف، بیان دردها و شادیها، ابزار اعلام نیاز و آمادگی برای رفع نیازمندیهاست. شناخت هر زبان تنها از طریق قواعد دستوری میسر نیست بلکه دانستن وجوه اختلاف آن با زبان مادری نیز از ضروریات انکارناپذیر است، همانگونه که دانستن وجوه تشابه آن با زبان مادری کمک فراوانی خواهد کرد. در این مقایسه به مفاهیم مشترکی دست می‌یابیم که ناشی از اشتراک در عواطف، احساسات، تفکرات، نحوه ارتباط با طبیعت، تمثیل‌ها و تشبیه‌ها، و اشتراک در نیازهای مادی و معنوی دولتی است که با آن دو زبان تکلم می‌کنند. تردیدی نیست که آگاهی بر این وجوه اختلاف و اشتراک گام اساسی و مهم در تسهیل ارتباط با دیگر اقوام و ملل دنیا و تقرب قلوب است و یکی از موانع عمده سوء برداشتها و کج فهمی‌ها. در این میان تکیه کلامها، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و داستانهای فولکوریک هر ملتی دارای اهمیت بنیادی هستند و از ابزارهای بسیار مهم شناخت خلق و خوی، آداب و سنن اجتماعی، ارزشها و ضد ارزشهای اجتماعی و اخلاقی به شمار می‌روند.

۱- آب که از سر گذشت، چه یک وجب چه صد وجب.

1. In for a penny in for a pound.

چه برای یک پنی بروی توی آب، چه برای یک لیره. توضیح: این کار نباید اتفاق می‌افتاد ولی حالا که شده دیگر مقدارش فرق نمی‌کند و در نتیجه تأثیری ندارد.

۲- آشپز که دوتا شد آش یا شوراست یا بی‌نمک، همچنین بی‌هاما که دوتا شد سرپچه کج می‌شود.

2. Too many cooks spoil the broth.

آشپز که چند تا شد آش خراب می‌شود.

توضیح: وقتی بیش از یک نفر در کاری دخالت کنند آن کار خراب خواهد شد، چرا که هر کدام به رأی خود عمل می‌کند در اینصورت یا به افراط پیش می‌روند یا به تفریط.

۳- آنچه یکی را نوش دیگری را نیش است.

3. One man's meat is another man's poison.

آنچه برای یکی خوراک است برای دیگری سم است.

توضیح: هر چیزی در جای مناسب خود معنا و جایگاه خاصی دارد و باید در جای مناسب بکار گرفته شود، چیزی که برای کسی نافع است می‌تواند برای دیگری مضر باشد.

۴- آدم گرسنه دین و ایمان ندارد.

4. Necessity Knows no law.

احتیاج قانون نمی‌شناسد.

توضیح: تا احتیاجات مادی اولیه برطرف نشوند نمی‌توان انتظار ارزشهای معنوی را از کسی داشت. آدم محتاج که ممکن است به هر کار خلافی دست بزند چگونه می‌تواند متدین و با ایمان باشد؟ فقرا کفر قرین هستند. روایت کادالفرقان بکون کفراً به همین مضمون است.

۵- آنچه بر خود نپسندی بر دیگران می‌پسند.

5. Do as you wish to be done by.

همان کاری را بکن که دوست داری دیگران بکنند.

توضیح: چیزی را که برای خود مناسب نمیدانی برای دیگران انتخاب مکن. نسبت به دیگران کاری را بکن که دوست داری آنها نسبت به تو انجام دهند.

۶- احمق خود را به آب و آتش می‌زند.

6. Fools rush in where angels fear to tread.

احمقها به جایی هجوم می‌برند که فرشتگان می‌ترسند حتی قدم بگذارند.

توضیح: آدم نادان بدون تعقل دست بهر کاری می‌زند و به نتایج کار نمی‌اندیشد.

۷- از آب گل آلود ماهی گرفتن.

7. To fish in troubled waters.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: از اوضاع معشوش و بهم ریخته به نفع خود بهره‌برداری کردن. اشاره به فرصت طلبی افراد است.

از این ستون به آن ستون فرج است.

8. There is many a slip between the cup and the lip.

بین فنجان و لب گریز زیاد است.

توضیح: زمانی که شخصی از حصول نتیجه مطلوب در موارد خاصی ناامید است، دیگران برای امیدوار کردن وی در ادامه تلاش این ضرب المثل را بکار می برند. منظور از ستون در اینجا نیکه گاهایی است که انسان در زندگی خود به آنها نیاز دارد.

۹. از دل برود هر آنکه از دیده برفت.

9. out of sight, out of mind.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: بر این موضوع دلالت دارد که وقتی انسان برای مدت طولانی از دیدن اشخاص یا مکانهایی که به آنها تعلق خاطر داشته محروم گردد، احساس وابستگی خود به آنها را هم از دست خواهد داد.

۱۰. او نخود هر آش است.

10. He has a finger in every pie.

اوتوی هر کلوچه ای دستی دارد.

توضیح: اشاره به کسی است که در هر کاری دخالت می کند و آدم فضولی است.

۱۱. او آب زیرکاه است.

11. still waters run deep.

آبهای راکد به عمق نفوذ می کنند.

توضیح: اشاره دارد به شخصی که ظاهر آرامی دارد ولی زیرک و مودبی است و ماهیتش مانند آب در زیر کاه پنهان است. مانند آب را کدی است که اگر چه ظاهراً حرکتی ندارد ولی به عمق زمین نفوذ می کند.

۱۲. او شریک دزد و رفیق قافله است.

12. He runs with the hare and hunts with the fox.

او همراه خرگوش می دود و با روباه شکار می کند.

توضیح: منظور آدم دو چهره و دودوزه بازی است که حیانت در اعانت می کند مانند کسی است که حفاظت و نگهداری از مال مردم را بعهده او گذاشته اند ولی وی با دزدان همدست شده و انوال مردم را به تاراج میدهد و در این کار با دزدان شریک است.

۱۳. از جاله درآمدن و به چاه افتادن.

13. out of the frying pan into the fire.

از ماهی تابه درآمدن و در آتش افتادن.

توضیح: از یک گرفتاری کوچک خلاص شدن ولی به مخلصه بزرگتری گرفتار آمدن.

۱۴. از قرض دور، از بلا دور.

14. out of debt out of danger.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: در مذمت و نکوهش قرض گرفتن است و با نگرستن قرض گویی انسان بلایی را از خود دور کرده است.

۱۵. احتیاج مادر اختراع است.

15. Necessity is the mother of invention.

به همان معنا در زبان فارسی.

توضیح: نیاز انسان مایه اصلی ابتکار و ابداع است و احتیاجات است که اختراعات بشر را پدید شده اند.

۱۶. از تو حرکت، از خدا برکت.

16. Man proposes, God disposes.

انسان پیشنهاد چیزی را می دهد، خداوند آنرا مقدر می کند.

توضیح: برای چیزی که از خدا می خواهی اول خودت قدم عملی بردار بعد از خدا انتظار گشایی در کار را داشته باش.

۱۷. از تو حرکت، از خدا برکت.

17. God helps him who helps himself.

خدا به کسی کمک می کند که او به خودش کمک نماید.

توضیح: برای چیزی که از خدا می خواهی اول خودت قدم عملی بردار بعد از خدا انتظار گشایی در کار داشته باش.

۱۸. عربی آن در فارسی مصطلح است یعنی: النظافة من الایمان.

18. clean liness is next to god liness.

پاکیزگی قبل از خداشناسی است.

توضیح: پاکیزگی جزء ایمان محسوب می شود.

۱۹. در فارسی معادل عربی آن مصطلح است یعنی: الفریق یتشبت بکل حشیش.

19. A drowning man catches a straw.

کسی که در حال غرق شدن است به یک پرکاه هم چنگ می زند.

توضیح: کسی که در حال ضایع شدن است به هرکاری دست می زند و بهر حیلته ای متوسل می شود تا خود را مصون نگاه دارد.

۲۰. با یک گل بهار نمی شود.

20. one swallow does not make summer.

با یک چلچله تابستان نمی شود.

توضیح: با سرزدن یک عمل از سوی فرد یا افراد نمیتوان درباره خصوصیات کلی آن فرد یا افراد قضاوت کرد.

۲۱. باد آورده را باد می برد.

21. Easy come, easy go.

آنچه آسان آید، آسان برود.

توضیح: آنچه که بدون زحمت و کاربردست آید به راحتی هم از دست خواهد رفت.

۲۲. برادری بجای خود، بزغاله یکی هفتصد دینار.

22. Business is business.

تجارت، تجارت است.

توضیح: دوستی و برادری بجای خود ولی قیمت جنس را باید بپردازد. معامله تعارف بردار نیست.

۲۳. بگو دوستت کیست تا بگویم کیستی.

23. A person is known by the company he keeps.

انسان را از شرکاء او می شناسند.

توضیح: هرکس را میتوان از نوع دوستانی که دارد شناخت چون در انتخاب دوست شخصیت انسان آشکار می شود.

۲۴. بقال نمی گوید: ماست من ترش است، ویا اینکه: کس نگوید که دوغ من ترش است.

24. No one cries: «stinking fish».

هیچکس جار نمی زند: «آهای ماهی گندیده داریم».

توضیح: هیچکس از کاری که خودش انجام داده انتقاد نمی کند و بر جنسی که می فروشد ایراد و اشکالی نمی گیرد بلکه فقط تعریف و تمجید می کند.

۲۵. بلا نمی آید، وقتی هم بیاید بشت سرهم می آید.

25. It never rains but it pours.

نمی بارد، وقتی هم بیارد آب جاری می شود.

توضیح: در مواقعی بکار می رود که در مدت زمان کوتاهی چندین گرفتاری پشت سرهم برای انسان پیش می آیند. این در حالی است که در مدت زمان زیادی قبل آن مشکلی پیش نیامده است مثل آن است که مدت زیادی باران نمی بارد، ولی در مدت کوتاهی ناگهان سیل راه بفتند.

۲۶. پارسال دوست، امسال آشنا.

26. long time no see.

خیلی وقت است دیداری دست نداد.

توضیح: در مواقعی بکار می رود که دیرزمانی است کسی دوست خود و یا یکی از بستگانش را ملاقات نکرده و پس از مدت زیادی حالا همدیگر را می بینند.

۲۷. پارسال دوست، امسال آشنا.

27. Hello stranger.

سلام غریبه.

توضیح: در مواقعی بکار می رود که دیرزمانی است کسی دوست خود و یا یکی از بستگانش را ملاقات نکرده و پس از مدت زیادی حالا همدیگر را می بینند. البته در اینجا معادل انگلیسی ضرب المثل حالت طعنه دارد.

۲۸. پایت را به اندازه گلیمت دراز کن.

28. Cut your coat according to your cloth.

کت خود را طبق پارچه ای که داری بپز.

توضیح: به حق خودت قانع باش و از حد و حدود خود تجاوز نکن.

۲۹. تا تریاق از عراق آرند مارگزیده مرده باشد.

همچنین: نوشدارو بعد از مرگ؟

29. while the grass grows, the cow starves.

توضیح: تا تریاق از عراق آرند مارگزیده مرده باشد. همچنین: نوشدارو بعد از مرگ؟

۲۹. تا تریاق از عراق آرند مارگزیده مرده باشد.

همچنین: نوشدارو بعد از مرگ؟

29. while the grass grows, the cow starves.



تا علف رشد کند گاو از گرسنگی می میرد.

توضیح: زمانی بکار برده می شود که کار از کار گذشته و راه حل پیشنهادی دیگر فایده ای نخواهد بخشید کنا به از ناامیدی است و مثلاً موقعی بکار برده می شود که داروی مناسبی بعد از پیشرفت بیماری و حتی شدن مرگ یا نقص عضو بیمار به او برسد.

۳۰. تا سه نشه بازی نشه.

30. Third time lucky.

دفعه سوم خوش بُن است.

توضیح: هنگامیکه قضاوت درباره موضوعی در دفعات اول و دوم میسر نشود و یا مشکل باشد این ضرب المثل بکار برده می شود تا ضرورت دفعه سوم را متذکر گردند.

۳۱. ترک عادت موجب مرض است.

31. Custom is a second nature.

عادت، سرشت ثانوی انسان است.

توضیح: اشاره به عدم امکان ترک عادت های مختلف توسط انسانهاست گویی که در صورت ترک عادت مرضی پیش خواهد آمد.

۳۲. تعارف آمد نیامد دارد.

32. One might be taken up on one's offer.

کسی ممکن است جذب پیشنهاد دیگری شود.

توضیح: تعارف نکن چون ممکن است طرف شما دعوتتان را بپذیرد. این ضرب المثل بیشتر جنبه شوخی هم دارد.

۳۳. تا ریشه در آب است امید ثمری هست.

33. while there is life, there is hope.

تا زندگی هست، امید هم هست.

توضیح: انسان تا نفس می کند باید به زندگی امیدوار باشد هیچ وقت نیاید ناامید شویم.

۳۴. تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها.

34. There is no smoke without fire.

دود بدون آتش نیست.

توضیح: تا مسئله ای اتفاق نیفتاده باشد مردم این حرفها را نمی زنند، حتماً دلیلی دارد حرف مردم که بی اساس نیست، این دود نشان از آتش دارد.

۳۵. تا نباشد چوب تر فرمان نبرد گاو و خر.

35. spare the rod, and spoil the child.

ترکه را نگهدار، آتوقچه بچه را رو بده.

توضیح: تا تنبیه نباشد کاری انجام نمی شود و دستوری را اجرا نمی کنند. این ضرب المثل را کسانی بکار می برند که به زور و اجبار معتقدند.

۳۶. تا تور گرم است نان را باید پخت.

36. strike while the iron is hot

تا آهن گداخته است به آن ضربه بزن.

توضیح: الان بهترین موقع برای انجام فلان کار یا زدن فلان حرف است. تا اوضاع مناسب است این کار را بکن. وقتی آهن گداخته است باید به آن ضربه زد چون فقط در این حالت است که شکل می گیرد و این بهترین فرصت است.

۳۷. تا تنور گرم است نان را باید پخت.

37. Make hay while sun shines.

تا خورشید می تابد علوفه (یونجه ها) را خشک کن.

توضیح: الان بهترین موقع برای انجام فلان کار یا زدن فلان حرف است، تا اوضاع مناسب است این کار را بکن، وقتی آهن گداخته است باید به آن ضربه زد چون فقط در این حالت است که شکل می گیرد و این بهترین فرصت است.

۳۸. تونیک می کن و در درجه انداز که ایزد در بیابانت دهد باز.

38. Kindness brings its own reward.

مهربانی اجرو نیکی خود را بیار آورد.

توضیح: تو کار نیک انجام بده و به مردم خوبی کن ولی از آنها انتظار مرزد نداشته باش بلکه پاداش کار نیک ترا خدا خواهد داد.

۳۹. تا درد هجران نکشی به نعمت وصال نرسی.

39. Faint heart never won fair lady.

بزدل هرگز به وصال زن زیبا نرسد.

توضیح: تا دوری معشوق را تحمل نکنی هیچوقت به وصال از دست نخواهی یافت. شجاعت تحمل درد دوری است که نزدیکی را شیرین می کند.

۴۰. جان به عزرائیل نمی دهد.

40. He is mean and stingy.

اوپست و خسیس است.

توضیح: دلالت بر آدمی دارد که بسیار خسیس است.

۴۱. جوجه ها را آخر پاییز می شمارند.

41. Don't count your chickens before they are hatched.

جوجه های را قبل از اینکه از تخم بیرون بیایند شمار.

توضیح: هنوز زود است که درباره نتیجه کار ارزیابی شود. این ضرب المثل طعنه آمیز است.

۴۲. چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. همچنین: اول خویش بعد درویش.

42. Near is my skirt, but nearer is my skin.

پیراهنم به من نزدیک است، اما پوستم به من نزدیکتر است.

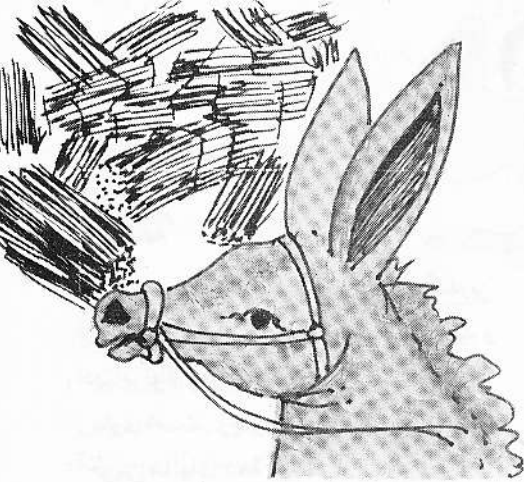
توضیح: اول نیازهای خود و خانواده ات را برطرف کن بعد به دیگران برس.

توضیح: اگر می خواهی مشکل برایت پیش نیاید و آبرویت نرود با (اکثریت) جامعه هماهنگ باش و کاری را بکن که آنها می کنند.

۵۳- خوی بد بر طبیعتی که نشست نرود تا به وقت مرگ از دست.

53. Can the leopard change his spot?

آیا پلنگ میتواند خالهایش را عوض کند؟  
توضیح: وقتی ماهیت کسی زشت باشد تا دم مرگ هم همراه اوست.



۴- خر هرچه بیشتر باربرد، بیشتر باورش کنند.

54. A willing horse is run to death.

اسب راضی را تا دم مرگ می رانند.  
توضیح: آدم هرچه بیشتر کار کند، کار بیشتری به او می سپارند و هرچه زیادتیر زحمت بکشد، بیشتر از او کاری کنند.

۵۵- دیگر کلاهش بشم ندارد. همچنین: دیگر کسی برایش تره خورد نمی کند.

55. He has no influence.

او دیگر نفوذی ندارد.  
توضیح: اشاره به کسی است که قبلاً برویایی داشته و خیلیها مطیع او بوده اند ولی الان دیگر کسی برایش کاری انجام نمی دهد و نفوذی در بین افراد ندارد.

۵۶- دیوارموش دارد، موش هم گوش دارد.

56. walls have ears.

دیوارها گوش دارند.  
توضیح: اینجا از این حرفها نزن، جاسوس هست که می روند و خیر می دهند.

۵۷- دیگ به دیگ می گوید رویت سیاه.

57. The pot calls the kettle black.

قوری به کتری می گوید رویت سیاه.  
توضیح: اشاره به کسی است که صفت یا خصوصیت زشتی را به کس دیگری نسبت می دهد در حالیکه خودش هم همان صفت زشت را دارد.



۴۸- خود کرده را درمان نیست. همچنین: خریزه که خوردی پای لرزش هم بنشین.

48. you must lie on the bed you have made.

جایی که درست کرده ای خودت هم باید رویش بخوابی.  
توضیح: کاری را که خود کرده ای، نتیجه اش را هم باید ببینی چاره ای نیست.

۴۹- خر چه دانه قیمت نقل و نبات. همچنین: در خوزستان ضرب المثلی بین مردم رایج است به این مفهوم که، جلو خر چه گاه بگذاری چه زعفران.

49. why do you cast pearls before swine?

چرا مرواریدها را جلو گراز می ریزی؟  
توضیح: دلالت دارد بر کسانی که نمی توانند فرق میان اصل و بدل، مهره و خر مهره را بفهمند. ظهیر فارابی شعری دارد به همین مضمون که می گوید:

امروزبهای هیزم و عود یکی است  
در چشم جهان خلیل و نمرود یکی است  
در گوش کیانی که در این بازارند  
آواز خر و نغمه داوود یکی است  
۵۰- خواستن توانستن است.

50. when there is a will, there is a way.

وقتی خواسته ای باشد، راهی هم وجود دارد.  
توضیح: اگر انسان واقعاً بخواهد کاری را انجام دهد و اراده کند حتماً خواهد توانست.  
۵۱- خداوند یاری کسانی است.

51. God tempers the wind to the shorn lamb.  
خداوند باد را به سمت بره شمش چیده ملایم می کند.

توضیح: خداوند به کسانی که یاری نداشته باشند کمک می کند و پشتیبان آنهاست.

۵۲- خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو.

52. Do at Rome as the Romans do.

در رُم همان کاری را بکن که رومیها می کنند.

۴۱- چراغی که به خانه رواست به مسجد چرا رد کسی و همچنین: چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.

43. charity begins at home.

مدله از خانه شروع می شود.  
توضیح: اول نیازهای خود و خانواده ات را برطرف کن بعد به دیگران برس.  
۴۴- حق به حقدار میرسد.

44. A deserving person will get his due.

کسی که استحقاق داشته باشد به حق خود خواهد رسید.  
توضیح: کسی که حقی داشته باشد سرانجام به آن دست خواهد یافت.

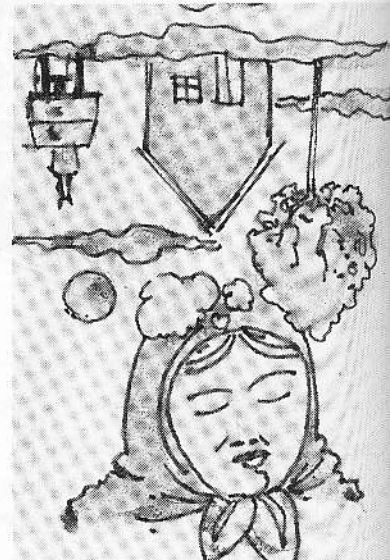
۴۵- حلوی ن تنانی تا نخوری ندانی.

45. The proof of the pudding is in the eating.

اثبات حلوا در خوردن آن است.  
توضیح: کتابه از آن است که انسان باید هر چیزی را عملاً تجربه کند تا دقیقاً به صفات و خصوصیاتش پی برده و بتواند تصور صحیحی از آن داشته باشد.  
۴۶- حساب حساب، کاکا برادر.

46. A bargain is a bargain.

مدله، معامله است.  
توضیح: مراجعه کنید به ضرب المثل: برادری بجای خود، بزغاله یکی هفتصد دینار.



۴۷- خواب زن چپ است.

47. women's dreams go by contraries.

به همان معنا در زبان فارسی.  
توضیح: تعبیر رویای زن برعکس آن چیزی است که در خواب دیده است.